



30 آگست 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش ششم

(یک تصحیح ضروری در بخش پنجم - صفحه 3، پراگراف 3، سطر سوم اسم "هدایت الله خان" به "سردار حیات الله خان عضو الدوله" تصحیح شود.)

نخستین گام - انکشاف مکتب حبیبیه:

طوری که در مباحث قبلی ذکر شد، اولین مکتب رسمی در کشور همانا مکتب حبیبیه در عصر سراجیه بود که در سال 1283 ش در شهر کابل تأسیس گردید و 19 نفر از اولین دوره فارغان آن از صنف دوازدهم در سطح بکلوریا در اواخر سال 1297 ش چند ماه قبل از شهادت امیر حبیب الله خان به جامعه تقدیم شد. با آنکه نظر به دلایلی گیر و گرفت ها در سالهای اخیر سراجیه از تعداد مجموعی شاگردان آن مکتب کاسته شده بود، باز هم در حدود 400 شاگرد از صنوف اول تا دوازدهم در آن مصروف تعلیم بودند.

با رسیدن شهزاده امان الله به سلطنت در اواخر حوت 1297 ش و رهائی بعضی زندانیان، همچنان بکار کماشتن فارغان آن مکتب به کارهای دولتی فضای معارف نیز باز گردید و فامیلها در شهر کابل بار دیگر فرزندان خود را به تعداد بیشتر روانه مکتب کردند. چون محل مکتب در آنوقت یعنی "باغ مهمانخانه" (که حالا محل اداری ولایت کابل در آن قرار دارد)، ظرفیت گنجایش شاگردان را نداشت، لذا از شروع سال 1298 شاه امان الله قصر "شهر آراء" را که دارای اتاق های بیشتر و بزرگتر و نیز باغ وسیع بود، در اختیار آن مکتب قرار داد و نیز امر کرد تا برای شاگردان نان چاشت و نیز لباس متحد الشکل تهیه شود و درسها از صبح تا ظهر و بعد از صرف نان و ادای نماز قسمت دیگر درس بعد از ظهر ادامه یابد و همچنان به انجمن معارف هدایت داد تا وقت امتحان سالانه را از برج قوس به ماه سرطان تغییر دهند.

در همین سال انجمن معارف تحت نظر ناظر معارف به نشر اولین مجله بنام "معرف معارف" پرداخت و میرسیدقاسم خان (مشهور به میرصاحب) معلم تاریخ آن مکتب به مدیریت آن مقرر گردید. بعداً در سال 1302 ش وزارت معارف که تا آنوقت در یک قسمت عمارت مکتب جا داشت، از آن مکتب به "کوتی باغچه" در داخل ارگ نقل مکان کرد. در سال 1303 (1924) فیض محمد خان زکریا به حیث وزیر معارف و علی محمد خان بدخشی (متخلص به آدینه) - یکی از فارغان دوره اول همین مکتب و عضو انجمن معارف به حیث رئیس تدریسات آن وزارت مقرر شدند و فتح محمد خان فارغ دیگر آن مکتب مقام مدیریت مکتب را بدوش گرفت. از آن تاریخ به بعد تعداد شاگردان مکتب حبیبیه هر سال روبه افزایش گذاشت. در سال 1302 و سال بعد آن دو مکتب دیگر بنامهای "مکتب امانیه" تحت نظر استادان فرانسوی و مکتب "امانی" زیر نظر استادان جرمنی شروع به فعالیت کردند و بر علاوه شاگردان جدید الشمول، تعدادی از صنوف ابتدائیه مکتب حبیبیه نیز به آن دو مکتب انتقال یافتند.

ناگفته نماند که شخص شاه امان الله غازی با علاقه فراوانی که برای گسترش علم و معارف و تربیه فرزندان کشور داشتند، خود به مکتب حبیبیه و مکاتب جدید التأسیس بعدی تشریف می بردند و ضمن مراقبت امور آن گاه گاهی به صنوف رفته از شاگردان و سوبه درسی شان سؤال میکردند و نیز بعضاً به تدریس می پرداختند. اینکار هم موجب تشویق شاگردان و معلمان میگردد و نیز علاقمندی شاه را در امور معارف نشان میداد و اولیای امور معارف را متوجه مسئولیت مهم آنها می ساخت.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي دلیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په څیر و لولی



عکس تاریخی فوق حضور شاه امان الله غازی را در یکی صنوف مکتب حبیبیه و صحبت با شاگردان نشان میدهد که علی محمد خان آدینه و دو تن دیگر نیز در جوار شاه دیده میشوند.

ناگفته نماند که بعد از سقوط دوره امانی در اثر اغتشاش سقوی در سال 1307 ش مکتب حبیبیه و دیگر مکاتب کشور اعم از مکاتب ذکور و اناث بسته شدند و مشعل علم و معارف برای مدتی خاموش گردید و جای آنرا جهالت و هرزگی گرفت. پس از سقوط سقوی، بار دیگر اما با تائی و به تدریج این مشعل به نورافشانی آغاز کرد که بحث مزید در این باره از موضوع این نوشته بیرون است. (برای شرح مزید راجع به تاریخچه مکتب حبیبیه تا سال 1366 ش دیده شود: وکیلی پوپلزائی: "فرهنگ کابل باستان"، جلد دوم، صفحه 748 تا 753)

تحول بزرگ : دست آورد های فرهنگی هیئت "سفارت فوق العاده":

بتاریخ 27 مارچ 1919، هنوز جنگ با انگلیسها در سه جبهه ادامه داشت که حکومت بلشویکی روسیه پیام رسمی به حکومت افغانستان فرستاد و با شناخت رسمی استقلال کشور خواهان برقراری مناسبات سیاسی و تجارتي گردید. شاه امان الله که منتظر چنین فرصت بود، فوراً به این پیام پاسخ مثبت داد و متعاقباً یک هیئت حسن نیت را به ریاست محمد ولی خان نخست به تاشکند و از آنجا به مسکو اعزام نمود. بدینوسیله روابط بین روسیه و افغانستان با تبادل سفر ابرقرار گردید که در نهایت به تاریخ 28 فیروری 1921 منتج به عقد معاهده دوستی بین دولتین شد.

شاه امان الله در سیاست خارجی نصیحت پدرکلان خود امیر عبدالرحمن خان را جداً درگوش داشت که باید کشور را بین (شیر و خرس) طوری محفوظ نگهدارد که از رقابت هردو استفاده کرده، ولی به هیچیک آنها اعتماد نکند، در غیر آن تمامیت و استقلال کشور مواجه به خطر جدی خواهد شد. بنابراین شاه نمیخواست سیاستی را پیش گیرد که به منافع همسایه گان صدمه رساند و موجب تعرض آنها به افغانستان شود. مشکل شاه امان الله به مقایسه عصر پدرکلانش که نزدیکی به انگلیس ها را به نفع سلطنت خود دیده و استقلال کشور را در بدل آن نادیده گرفته بود، فرق بارز داشت. برای شاه امان الله کسب استقلال از همه چیز بالاتر بود و برای نیل به این هدف باید با انگلیس ها به مقابله می پرداخت، بناءً ناگزیر بود در آغاز با روسیه از در دوستی کنار آید. شاه بعد از موفقیت در اقدام نظامی، کوشید تا از طریق سیاسی برای حصول استقلال دست بکار شود و در این حال با انگلیس ها نیز از مسامحه و مدارا کار گیرد. به همین مقصد شاه به پیشنهاد متارکه از طرف انگلیسها موافقه کرد و مذاکرات سیاسی را جهت نیل به استقلال کامل کشور به راه انداخت که بالاخره پس از سه دوره مذاکرات پر جنجال انگلیس حاضر به شناخت رسمی استقلال کامل کشور شد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

آدامک در این ارتباط به یک نکته بسیار مهم اشاره میکند و می نویسد: «برای حصول آزادی واقعی باید آزادی افغانستان توسط ملل جهان شناخته شود و نمایندگان کشورها در پایتخت افغانستان هر قدریکه خواسته باشند، حضور بهم رسانند تا روابط دیپلماتی افغانستان با ممالک خارج برقرار گردد. تثبیت این امر در آنوقت مشکل به نظر میرسید، زیرا تعداد زیاد ممالک جهان شک داشتند که بر تانیه دست از افغانستان بردارد و آن را به خود مردم واگذار شود. بنابراین تنها ممالکی همسایه و همجواریکه ضد بر تانیه بوده و به افغانستان همدردی داشتند چون شوروی، ترکیه و ایران به کمال میل آزادی افغانستان را به رسمیت شناختند و خود را با افغانستان متحد ساختند. معیار موفقیت افغانستان نخست از همه در مساعیش در صحنه دیپلماتی بین المللی بود که این کشور نو خاسته و آزاد قابلیت تثبیت روابط دیپلماتیک را با کشورهای دور و به خصوص قدرتهای اروپائی حاصل کند.» (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، پشاور، 1377، صفحه 84)

شاه امان الله با درایت خاص تصمیم گرفت متعاقب شناسائی استقلال کشور از طرف روسیه بلشویک یک هیئت حسن نیت به منظور معرفی افغانستان به حیث یک کشور کاملاً آزاد در برقراری روابط با کشورهای نخست به روسیه بلشویک و سپس به کشورهای اروپائی اعزام دارد. این هیئت بتاريخ 30 حمل 1298 (20 اپریل 1919) به ریاست محمد ولی خان و هیئت معیتی او تحت عنوان "سفارت فوق العاده" نخست به روسیه بلشویک رهسپار تاشکند گردید و بعد از مذاکرات طولانی با زعمای روسیه و برقراری مناسبات سیاسی بین دو دولت و توافق روی تبادل سفر، به سفر خود به کشورهای ترکیه، ایران، جرمنی، ایتالیا، فرانسه، امریکا و انگلستان ادامه داد. او در طول این سفر موفق به برقراری روابط سیاسی آن کشورها با افغانستان و همچنان تبادل سفر شد، البته به استثنای امریکا که هیئت را به سردی پذیرائی کرد و انگلستان که هیئت را پذیرفت و اما از شناخت استقلال افغانستان طفره رفت.

(محمد ولی خان رئیس هیئت سفارت فوق العاده با تعداد از اعضای معیتی شان در اروپا - 1921)



دست آورد این سفر برای شناخت رسمی استقلال کشور یک قدم عمده و بزرگ محسوب میشود و در نتیجه همین سفر بود که انگلیس ها چاره ای نداشتند، جزء اینکه بعد از سه دوره مذاکرات طولانی در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفتند و مجبور به شناخت استقلال کامل افغانستان گردیدند. هیئت بعد از سپری کردن جمعی در حدود سه سال با دست آورد بسیار بزرگ بتاريخ 11

جوزای 1301 ش (31 می 1922) به کابل مراجعت کرد. اعضای هیئت در آغاز یازده نفر بودند، از جمله: فیض محمد خان زکریا، عبدالهادی خان داوی، میرزا محمد خان یفتلی، عبدالرحمن خان لودی، محمدگل خان مومند، قاضی سیف الرحمن خان، عبدالحمید خان کمیدان، عزیز الرحمن خان، غلام جیلانی خان چرخ، خواجه هدایت الله خان، شیر احمد خان و بعضی دیگر که بعد از مواصالت به تاشکند و بخصوص پس از رسیدن به مسکو و افتتاح اولین نمایندگی سیاسی افغانستان در مسکو تعداد اعضای هیئت تقلیل یافت. (غبار: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، صفحه 788)

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

یکی دیگر از دست آورد های این هیئت همانا برقراری روابط فرهنگی و تجاری بین افغانستان و کشورهای بزرگ اروپایی بود که برای اولین بار در تاریخ کشور رویدست گرفته شد. هیئت مذکور از شاه امان الله هدایت گرفته بود تا در جوار مذاکرات خود با دول متحابه در ساحه روابط سیاسی به ایجاد روابط فرهنگی و تجارتی نیز پردازد. هیئت برطبق این دستور، آرزومندی دولت مستقل افغانستان را با طرف مذاکره کننده نیز ابراز میکرد و میخواست تا: شاگردان افغان را در مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی بپذیرند، به تأسیس مکاتب و لیسه ها در افغانستان پردازند، افغانستان را با اعزام انجیران، تکنیشن ها و معلمان و همچنان با تهیه ماشین آلات و ضرورت های صنعتی مورد نیاز کمک نمایند و در انکشاف اقتصادی کشور بخصوص در ساحه معادن و تقویه صنایع این کشور نو به پا خاسته را یاری رسانند. کشورهای ایتالیا و فرانسه طی این مذاکرات آمادگی خود را فوری ابراز داشتند و اما جرمنی به دلیل مشکلات ناشی بعد جنگ جهانی اول که دچار بعضی محدودیت های سیاسی گردیده بود، ظاهراً با تأنی به این درخواست های هیئت جواب داد، اما وعده سپرد که آن کشور تا حد ممکن از هیچ نوع کمک در موارد فوق دریغ نخواهد کرد. (برای شرح مزید درباره فعالیت های هیئت فوق العاده، دیده شود. ادامک: مأخذ بالا، صفحات 71 تا 110)

دست آورد بزرگ این هیئت در ساحه فرهنگی و بخصوص موافقت بعضی کشورهای اروپایی از جمله آلمان، فرانسه و ایتالیا در فراهم آوری زمینه تعلیم و تحصیل نوجوانان افغان در آن کشورها بود و بدینوسیله یکی از آرزوهای دیرینه شاه امان الله غازی در جوار کسب استقلال کامل کشور، همانا تبادل علمی و فرهنگی بین افغانستان و دیگر ممالک پیشرفته بود که در حقیقت بار اول در تاریخ کشور به ظهور پیوست. برطبق توافقات و تفاهات فوق در ساحه فرهنگی و معارف، اعزام یک تعداد شاگردان مکتب حبیبیه به فرانسه و جرمنی در قدم اول و سپس اعزام عده ای از افسران جوان به ایتالیا، روسیه و ترکیه صورت گرفت که تحول بزرگی را برای آینده کشور در قبال داشت، اما با تأسف اکثر این نونهال ها وقتی به ثمر رسیدند که باغبان این باغ از حاصل و ثمرنهال های دست پرورده ای خود بی نصیب و مجبور به ترک وطن شده بود و حاصل آن در دامن نظام بعدی ریخته شد که در مجموع باز هم در خدمت وطن و مردم قرار گرفتند.

(ادامه دارد)

ذکری از خاطرات ایام مکتب:

اینجانب به حیث متعلم از صنف مدخل تا دوازدهم در لیسه حبیبیه درس خواندم و خاطراتم در آن دوره برایم فراموش ناشدنی است. در سال 1326 ش وقتی به صنف مدخل [آمادگی] در لیسه حبیبیه در عمارتی که چند سال قبل در عصر محمد نادرشاه در جوار دریای کابل و مقبره اعلیحضرت تیمورشاه تهداب گذاری و در سال اول سلطنت محمد ظاهرشاه تکمیل گردید، شامل شدم. فقط دوماه در صنف مدخل ماندم و بعد شامل صنف اول گردیدم. دوازده سال تمام تا هژده سالگی نصف این عمر را در صنوف متعدد آن با همصنفان و دوستان مثل برادر هر سال از یک صنف به صنف دیگر ارتقا کردیم و حیات بعدی ما از همین کانون پربرکت آغاز شد که بعد از فراغت (1338 ش - 1959 م) باز هم مثل خانه خود باز هم سری به مکتب میزدیم و با دوستان تجمع میکردیم. بعد از آنکه عمارت جدید مکتب حبیبیه در سال 1342 ش در جوار سرک دارالامان تکمیل و مکتب به آنجا انتقال یافت، لیسه دختران بنام "شاهدخت مریم" در این عمارت با شکوه انتقال یافت که دیگر از زیارت این مهد پرورش خود محروم گشتیم، چون اجازه ورود به آنجا برای پسران نبود، اما خاطرات آن تا اکنون که 61 سال از آن می گذرد، از جمله بهترین ایام زندگی ام بشمار میرود. با استفاده از این فرصت که ذکری از تأسیس این مکتب پیشگام و تاریخ ساز و نقش آن در تحول معارف کشور در این نوشته آمده است، خواستم با نشر دو قطعه عکس تاریخی پردازم تا اقلأ با نشر آن خاطرات خود را از آن دوره زنده سازم: عکس اول نمائی از عمارت با عظمت مکتب را نشان میدهد که در سال 1332 (1953 م) گرفته شده است که اینجانب هنوز در صنف ششم قرار داشتم و اما عکس دومی خاطره ای از همصنفانم در صنف دهم در سال 1336 ش است. وقتی به این عکس نگاه میکنم و چهره هریک همصنفانم از نظرم می گذرد، آرزو میکنم که کاش همه در وطن می بودیم و زمینه دیدار و شاید آخرین دیدارها با هم میسر میگردید، اما

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

افسوس که روزگار اکنون تعدادی را به ابدیت فرستاده و تعداد دیگر در این چهل سال پرماجرا در کشور به اقصی نقاط جهان پراکنده ساخته است که اکنون یکی از دیگری خبر نداریم. این عکس یادگاری را به همین دلیل به نشر میرسانم اگر روی تصادف بعضی از همصنفان خود را در آن می یابند، با من به تماس شوند.



از راست به چپ -
بالترتب:

عبدالحق هوتکی، محمد
یاسین، محمد اکرم یاری،
محمد عظیم، توریالی
واسعی، عطاالله یونسی،
میرابوطالب کاظمی،
فیض احمد، خواجه خلیل
الله، سیدکریم ندانی، محمد
نسیم دیدار، عبدالواسع،
توفیق مختارزاده، ننگیالی
غفارشاد، محی الدین
آرزو، عبدالرحمن اسحق،
میر عبدالرحیم، محمد طاهر
هاشمی، خوشحال
ستانکزی، میر عبدالقیوم
عظیمی هراتی (دو)
نفر ایستاده سمت چپ:

محمد هاشم ناطق و آخرین نفر اینجانب سیدعبدالله کاظم). ناگفته نماند که تعداد زیاد این گروپ با تحصیلات عالی و اخذ دکتورا و دیپلوم انجینیری در خارج و داخل کشور در ساحات مختلف موفق شده اند و تعدادی نیز بعد از فراغت از مکتب به قوای نظامی کشور گسیل و تا رتب بالای نظامی ارتقا کردند. آنها یی که دیگر در بین ما نیستند، یاد شان گرامی و روح شان شاد و کسانی که حیات دارند، طول عمر باسعادت برای شان خواهانم. با ارادت سیدعبدالله کاظم

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ